جانباز آزاده، رضا نظر نژاد:

اردوگاه ما، جهنمی بود در دل عراق

*حسن شکیب زاده
قسمت دوم و پایان

***روزی به اندازه یک سال**

– شما را چگونه به اردوگاهها منتقل کردند؟

من هنوز هم وقتی به یاد انتقالمان، از مقر سپاه هفتم عراق به اردوگاهها می‌افتم، بدنم می‌لرزد، آن روز، روز عجیب و سختی بود و پرسوز و مظلومانه، عراق قصد داشت بعد از عملیات فوق تبلیغات گسترده‌ای مبنی بر شکست بزرگ ایران داشته باشد، لذا اسرا را سوار کامیون‌ها کردند و برای اینکه تعداد ما را زیاد جلوه دهند، حدود صد خودرو آوردند و داخل هر خودرو ۶ اسیر ایرانی سوارکردند، درحالی که ۸ سرباز عراقی هم همراه ما در هر ماشین قرار دادند.

آن روز ما را در خیابانهای بصره به حرکت در آوردند، مردم عراق در حاشیه خیابانها اجتماع

***آن روز ما را در خیابانهای بصره به حرکت در آوردند، مردم عراق در حاشیه خیابانها اجتماع کرده بودند، هلهله می‌کردند، فریاد می‌زدند، فهش می‌دادند، آب دهان پرت می‌کردند، سنگ و هر آنچه در دست داشتند به طرف ما پرتاب می‌کردند، حتی مکانهایی که در داخل ترافیک گیر کرده و ماشینها می‌ایستادند، به سمت ما می‌آمدند و خود و فرزندانشان چنگ به سر و صورت ما می‌زدند، خلاصه وضعیت سخت و طاقت فرسایی بود، همه‌اش آرزو می‌کردیم که سریع از شهر بگذریم و این صحنه‌ها را نبینیم**

کرده بودند، هلهله می‌کردند، فریاد می‌زدند، فحش می‌دادند، آب دهان پرت می‌کردند، سنگ و هر آنچه در دست داشتند به طرف ما پرتاب می‌کردند، حتی مکانهایی که در داخل ترافیک گیر کرده و ماشینها می‌ایستادند، به سمت ما می‌آمدند و خود و فرزندانشان چنگ به سر و صورت ما می‌زدند، خلاصه وضعیت سخت و طاقت فرسایی بود، همه‌اش آرزو می‌کردیم که سریع از شهر بگذریم و این صحنه‌ها را نبینیم.

خلاصه این یک روز که برای ما یک سال بود، گذشت و به مقر ۱۱ عراق رسیدیم، ما را ۱۳ روز و ۱۴ شب در این مقر نگه داشته و در داخل دو اطاق تنگ و تاریکی که زمین آن هم خاکی بود انداختند. آنقدر از بچه‌ها خون رفته بود که خاک زمین اطاق‌ها با خون بچه‌ها قاطی و تبدیل به گل شده بود، نه آبی بود و نه غذایی، تعدادی از بچه‌ها درهمین شرایط و داخل اردوگاه فوق به شهادت رسیدند، سرما کولاک می‌کرد و هیچ امکانی برای گرم کردن بچه‌ها نبود، آنجا جهنمی بود در دل عراق.

پس از ایام فوق ما را به مدت ۶ روز در استخبارات نگه داشتند تا بچه‌ها را تخلیه اطلاعات بکنند، اینجا فشار و شکنجه بچه‌ها به اوج خود رسیده بود و عراقی‌ها از هر وسیله‌ای استفاده می‌کردند تا رزمندگان ما را شکنجه کرده و به حرف بیاورند.

پس از گذراندن این دوران، ما را به مدت ۵۵ روز در سلولهای الرشید عراق نگهداری کردند، آن هم در شرایطی بدتر از همه جا، ۲ آسایشگاه حدود ۱۶ متری بود که داخل هر کدام حدود ۵۰ تا ۶۰ نفر راجای داده بودند، سرمای سختی بود، نه آب بود و نه بهداشت، بدن همه بچه‌ها زخمی بود، با تکه‌های لباسمان زخمها را بسته بودیم و هر از گاهی آنرا باز کرده، پارچه را می‌شستیم و دوباره به روی زخم می‌بستیم.

***۴۴ ماه در اسارت**

– اسارت شما، چه مدت طول کشید؟

من در مجموع، ۴۴ ماه در اسارت بودم، البته قابل توجه است اسرایی که همراه ما در پادگان صلاح الدین ایوبی، یعنی همان اردوگاه ۱۱ بودند، جزو مفقودین بودیم و احدی از اسارت ما مطلع نبود، به خاطر همین هم هر بلایی که می‌خواستند، به سر ما می‌آوردند.

– عکسی که از شما گرفته بودند کی و چگونه به دست خانواده رسید؟

حدود ۶ ماه بعد از اسارت ما، پسر عموی آقای کردی که از همرزمان ما در اسارت بود، در جریان پاک سازی سنگرهای عراقی‌ها، وارد یکی از سنگرهای فرماندهی عراق می‌شوند که در آن مجله‌ای پیدا می‌کنند که عکس عموی خودش را در آن می‌بیند، لذا مجله را به مقر فرماندهی سپاه پاسداران می‌رساند و آن‌ها هم بعد از شناسایی بچه‌هایی که در عکس‌ها بوده اند، عکس‌ها را کپی کرده و به خانواده‌ها تحویل می‌دهند.

با توجه به اینکه عکس شما نشان دهنده زنده بودن و اسارت شما بوده است، چرا هیچ اقدامی برای ثبت اسارت شما نشده بود؟

پدرم آن روزها به جاهای مختلفی مراجعه می‌کند و عکس مرا به سازمان تشخیص هویت هم می‌برد، آنجا البته هویت مرا تأیید می‌کنند،

اما می‌گویند، به اسارت در آمدن ایشان دلیل زنده ماندنش نیست، لذا پیگیری‌ها به نتیجه نرسیده و ما تا آخرین روز اسارتمان به عنوان مفقودالاثر مطرح بودیم.

***آزادی**

– نحوه آزادی شما چگونه بود؟

ما دقیقا تا ۲ ساعت قبل از آزادی مان اصلا خبر نداشتیم که آزاد خواهیم شد و وقتی هم که خبر دادند آماده شوید تا به کشور خود باز گردید، واقعا باورش برایمان سخت بود و هنوز فکر می‌کردیم که نقشه جدیدی برای تضعیف

***ما را به مدت ۵۵ روز در سلولهای الرشید عراق نگهداری کردند، آن هم در شرایطی بدتر از همه جا، ۲ آسایشگاه حدود ۱۶ متری بود که داخل هر کدام حدود ۵۰ تا ۶۰ نفر راجای داده بودند، سرمای سختی بود، نه آب بود و نه بهداشت، بدن همه بچه‌ها زخمی بود، با تکه‌های لباسمان زخمها را بسته بودیم و هر از گاهی آنرا باز کرده، پارچه را می‌شستیم و دوباره به روی زخم می‌بستیم**

روحیه و شکنجه ما دارند. خبر را که دادند ساعت ۶ صبح بود و ساعت ۸ مجددا اعلام کردند که وسایلتان را جمع‌آوری کرده و آماده شوید تا ماشین‌ها که آمدند سوار شوید.

–در آن ساعات، چه حالی داشتی؟

اصلا قابل گفتن نیست، آن لحظه‌ها لحظاتی است که فقط باید در آن شرایط قرار بگیری تا بفهمی. شرایطی که احساس می‌کردیم یک بار دیگر متولد شده ایم، تولدی که روزهای روشن و پرنوری را در پی دارد. بالاخره ساعت ۳ بعد از ظهر شد و اتوبوسها وارد اردوگاه شدند، همه سوار شدیم، هزار نفر بودیم، از مرز خسروی گذشتیم، بوسه بر خاک وطن زدیم.

با توجه به اینکه شما جزو مفقودین بودید و خانواده هم هیچ اطلاعی از شما نداشتند، وارد ایران که شدید چگونه با آنها آنها دیدار کردید؟

وارد ایران که شدیم، ۳ روز در قرنطینه بودیم، من وضعیت جسمانی خوبی نداشتم، مریض بودم، ساعت ۱۲ شب بود که وارد سپاه پاسداران قزوین شدیم، ظاهرا به خانواده‌ها خبر کرده بودند، ولی اولین نفری که در سپاه دیدم و او را شناختم، مرحوم سعید اقمشه بود، رزمنده شجاع و دلیری که قبل از اسارت، آخرین نفری بود که او را دیده و خداحافظی کرده بودم. با او سلام و علیک کوتاهی کردم، سپس خانواده را دیدم، اصلا باورم نمی‌شد، انگار در رویا بودم، چشمهایم را مالیدم، نه، خواب نبودم.

***ارتحال امام بدترین خبر**

–تلخ‌ترین خاطره‌ای که از دوران اسارت داری، کدام است؟

ارتحال امام عزیز، آن روز بین بچه‌ها پچ پچی راه افتاده بود، هیچکس نمی‌خواست چیزی بگوید، یعنی هیچ کس نمی‌خواست باورکند که چنین حادثه‌ای رخ داده است، نیمه‌های شب بود که اعلام کردند، امام رحلت کرده است، خستگی ۸ سال دفاع مقدس و سالها اسارت برتنمان سنگینی کرد.

باورش برای همه سخت بود، حتی عراقی‌ها، آنها ۴ روز تمام ما را رها کردند و وحشت داشتند که به طرف ما بیایند، بچه‌ها به نشانه عزاداری لباسهای تیره زمستانی را به تن کرده و مرتب عزاداری می‌کردند، بعد از ۴ روز، وحشت عراقی‌ها را برداشته بود، لذا با آوردن نیروهای زیادی به اردوگاه، یک حمله گسترده به آسایشگاهها کرده و بدون مقدمه همه را به زیر مشت و لگد در آوردند تا حال و هوای موجود از سرمان خارج شود.

آن روز خیلی‌ها صدمه دیدند، دندانها بود که می‌شکست و سرها و دست و پاها و فک‌ها بود که جابجا می‌شد و در نهایت هم ۱۸ نفر از بچه‌های خوب و مخلص اردوگاه را از جمع ما جدا کرده و به انفرادی فرستادند.

***دستاوردهای روزهای بزرگ را حفظ کنیم**

– در طول ۴۴ ماه اسارت، چگونه روزگار را می‌گذراندید؟

هریک از بچه‌ها، هر کاری که از دستش بر می‌آمد انجام می‌داد، خیلی‌ها درس می‌خواندند، کلاسهای درسی، قرآن و هنری برقرار بود، با حداقل وسایل و امکانات، بچه‌ها کارهای دستی درست می‌کردند، ورزش می‌کردیم. در تمام آسایشگاه فقط یک جلد قرآن مجید داشتیم که به هر رزمنده‌ای ۲۰ دقیقه فرصت داده می‌شد تا قرآن را بخواند و به دیگری بدهد، آن هم طوری که عراقی‌ها متوجه نشوند.

– این روزها، چکار می‌کنی؟

سال ۷۳ ازدواج کردم، درحال حاضر ۲ فرزند دختر و پسر دارم، دخترم در دبیرستان تیزهوشان درس می‌خواند و می‌خواهم آینده خوبی را برای آنها بسازم که برای کشور خود و اسلام، مفید و مؤثر باشند.

خودم هم کارمند بانک بودم که درحال حاضر درحالت اشتغال هستم، از طرفی ریه هایم آسیب جدی دیده است که درحال درمان آن هستم.

***ما دقیقا تا ۲ ساعت قبل از آزادی‌مان اصلا خبر نداشتیم که آزاد خواهیم شد و وقتی هم که خبر دادند آماده شوید تا به کشور خود باز گردید، واقعا باورش برایمان سخت بود و هنوز فکر می‌کردیم که نقشه جدیدی برای تضعیف روحیه و شکنجه ما دارند. خبر را که دادند ساعت ۶ صبح بود و ساعت ۸ مجددا اعلام کردند که وسایلتان را جمع‌آوری کرده و آماده شوید تا ماشین‌ها که آمدند سوار شوید**

– الآن که به گذشته، بخصوص دوران جنگ و اسارت بر می‌گردی، چه احساسی داری؟

به نظر من ۸ سال دفاع مقدس سفره‌ای بود که اولا هر کسی به آن دعوت نشده بود و آن‌هایی هم که دعوت بودند، هر یک به اندازه توان و تلاش خود از این سفره روزی بردند، عده‌ای با شهادت، عده‌ای با اسارت و عده‌ای هم با جانبازی خود، خلاصه نشستن کنار این سفره لیاقت می‌خواست و آنهایی هم که به سفره رسیدند، هر کدام به اندازه لیاقت خود سهم بردند و امروز بر ماست که دست آوردهای آن روزهای بزرگ را حفظ کنیم و نشان بدهیم که امروز هم لیاقت داریم که حسینی باشیم.

مادرانه

رقیه آذربایجانی، مادر محمود و مهدی آذربایجانی:

برادرش که شهید شد، می‌گفت مادر بگذار من بروم...

مهدی که شهید شد، برادرش محمود، برگ معافیت از خدمت سربازی‌اش را گرفت و ما هم نقشه‌های زیادی کشیدیم که او به جبهه نرود. پدرش برای او کار در کارخانه مهیا کرد، اما به بهانه‌های مختلف به کارخانه نرفت. من هم دختری را برایش در نظر گرفتم که ازدواج کند و به جبهه نرود؛ اما اصلا قبول نکرد و می‌گفت: مادر بگذار من بروم جبهه و برگردم، اگر ماندنی شدم هر کاری خواستید برای من بکنید.

او هر کاری کرد پدرش و من رضایت بدهیم که به جبهه برود، نمی‌شد؛ تا اینکه یک شب درحالی که پدرش خواب بود رضایت نامه‌ای می‌نویسد و انگشت پدرش را جوهری کرده و پای برگه رضایت نامه می‌زند.

پدرش که صبح از خواب بیدار شد متوجه شده و او را سرزنش کرده و گفت: هر جا که دلت می‌خواهد بروی برو، من دیگر با تو کاری ندارم. و او هم خلاصه به جبهه رفت و پس از مدتی که به مرخصی آمد، همه خوشحال بودیم.

آخرین بار که می‌خواست اعزام بشود، همه اهل خانه برای بدرقه‌اش رفتیم. آن روز همه می‌خندیدند، همه خوشحال بودند و با محمود شوخی می‌کردند و سر به سرش می‌گذاشتند، اما من ته دلم حس عجیبی داشتم، بخصوص وقتی که اتوبوس حرکت کرد.

***حسن شکیب‌زاده**

آگهی ابلاغ صورت مجلس افرازی

بدینوسیله صورت مجلس افرازی شماره ۱۰/۱۴۰۱/۲۵۷۳ مورخه ۱۴۰۱/۰۵/۳۰ به ضمیمه کروکی نقشه افرازی و نظریه رئیس ثبت مربوط به پلاک ثبتی ۲۳۶ فرعی از ۳۰۲۷ اصلی بخش یک حومه کاشمر مالکیت فاطمه حسین پور، واقع در کاشمر خیابان خیابان شبنم روبروی شبنم ۵بشرح ذیل آگهی می شود ثبایسته است کلیه مالکین مشاعی پلاک مذکور چنانچه به مورد افراز ونحوه آن اعتراض دارند اعتراض خود راظرف مهلت ۱۰روز از تاریخ انتشار آگهی به دادگاه صالحه تسلیم ورونوشت آن را به این اداره ارسال نمایند درصورت عدم اعتراض سند مالکیت مفروزی به نام متقاضی صادروتسلیم خواهد شد. م_الف ۱۱۰

احمد جهانگیر_ رئیس ثبت اسناد و املاک کاشمر

«آگهی ابلاغ صورت مجلس افرازی از شهرستان کاشمر »

صورت مجلس افرازی پلاک شماره ۲۳۶فرعی از ۳۰۲۷ اصلی بخش یک حومه کاشمر

احتراما در اجرای دستوراداری شماره ۱۰/۱۴۰۰/۶۷۷۱ مورخه ۱۴۰۱/۰۵/۰۴ ذیل گزارش افراز خانم فاطمه حسین پوردر پلاک ثبتی ۲۳۶ فرعی از ۳۰۲۷- اصلی بخش یک حومه کاشمر که طبق پرونده ثبتی تمامی ۳۵۵,۲۲سهم از۳۴۹۳سهم شدانگ پلاک فوق متعلق به بانو فاطمه حسین پور بوده که برابرسند صلح شماره ۱۴۸۱۹۷مورخه ۱۴۰۰/۰۷/۲۰ دفتر ۴کاشمر تمامی ۸۵.۲۴ سهم از آن را به شهرداری منتقل نموده وسپس جهت باقیمانده مالکیت خانم فاطمه حسین پورسند مالکیت تک برگ ۳۳۰,۳۷ سهم مشاع از مدار ۳۴۹۳ سهم ششدانگ به شماره چاپی ۳۳۱۴۷۰مورخه ۱۴۰۰۲۰۳۰۶۰۱۲۰۰۴۱۹۱ صادر و تسلیم گردیده است و اگهی دعوت به افراز به شماره ۱۰/۱۴۰۱/۲۱۳۱ مورخه ۱۴۰۱/۰۵/۰۴ به مالکین مشاع پلاک درروزنامه جمهوری اسلامی ایران به شماره ۱۲۳۱۷مورخه ۱۴۰۱/۰۵/۰۶ منتشر و ابلاغ گردیده است فلذا اینجانبان مجیدابراهیمی به عنوان نماینده وآقای علیرضا یوسف زاده نقشه بردارثبت در تاریخ ۱۴۰۱/۰۵/۱۸ ساعت ۹ صبح باتفاق متقاضی به محل وقوع ملک مراجعه و بامعرفی ملک موردتقاضا وبررسی پرونده ثبتی مشاهده شدکه مورد درخواست بصورت قسمتی از یک قطعه زمین و در محدوده پلاک فوق می باشد لذا به همین منظور ابتدا حدودمندرج درسند مالکیت مورد بررسی قرار گرفت و نقشه کل ملک ونقشه مورد افراز بوسیله نقشه بردارثبت ترسیم که باعنایت به نامه شماره ۴۰۱۰۰۵۰۶۳ مورخ ۱۴۰۱/۰۵/۰۳ منضم به نقشه تأیید شده که مقدار ۲۳,۶ متر ازضلع شمال و۱۰۲۵متر ازضلع جنوب آن درمسیرعقب نشینی قرار گرفته وسهم شهرداری (۲۴,۸۵متر)درمسیر تعریض خیابان قرار گرفته است اقدام به تنظیم صورت مجلس افرازی نموده که برای قطعه افرازی پلاک شماره ۱۹۵۲۴ فرعی درنظر گرفته شد ضمنا ۲قطعه از کل پلاک قبلا تحت پلاکهای ۱۷۱۷۵ فرعی و ۱۷۲۶۵فرعی افرازگردیده. لذا حدودهریک ازقطعات به شرح ذیل می باشد.

حدوداولیه :ششدانگ یک قطعه زمین پلاک ۲۳۶فرعی از ۳۰۲۷ اصلی بمساحت ۳۴۹۳,۴۹متر مربع

شمالا: در پنج قسمت اول درب و دیوار بطول (۳۵ / ۲۹) بیست ونه متر و سی و پنج سانتیمتر به میلان دوم درب و دیوار بطول (۸۵ /۶) شش متر و هشتاد و پنج سانتیمتر به میلان سوم درب و دیوار بطول (۵۳ / ۲۲) بیست ودو متر و پنجاه وسه سانتیمتر به میلان چهارم درب و دیوار بطول (۰۷ / ۱۴) چهارده متر و هفت سانتیمتر به میلان پنجم درب و دیوار بطول (۲۰ / ۱۲) دوازده متر و بیست سانتیمتر به میلان شرقا : در سه قسمت اول دیوارمشترک بطول (۰۵ / ۲۴) بیست و چهار متر و پنج سانتیمتر به شماره هشتصد وهشتاد ودو فرعی دوم دیوارمشترک بطول (۸۳ / ۱۲) دوازده متر و هشتاد وسه سانتیمتر به شماره هشتصد وهشتاد ودو فرعی سوم دیوار مشترک بطول (۵۱ / ۲) دو متر و پنجاه و یک سانتیمتر به شماره هشتصد وهشتاد ودو فرعی جنوبا: در سه قسمت اول درب و دیوار بطول (۷۱ / ۵۰) پنجاه متر و هفتاد و یک سانتیمتر به میلان دوم درب و دیوار بطول (۸۵ / ۶) شش متر و هشتاد و پنج سانتیمتر به میلان سوم درب و دیوار بطول (۳۳ / ۲۱) بیست ویک متر و سی وسه سانتیمتر به میلان غربا : در چهار قسمت اول دیوار مشترک بطول (۸۳ / ۴) چهار متر و هشتاد وسه سانتیمتر به شماره دویست وسی وپنج فرعی از سه هزار وبیست وهفت اصلی دوم دیوارمشترک بطول (۱۷ / ۱۱) یازده متر و هفده سانتیمتر به شماره دویست وسی وپنج فرعی از سه هزار وبیست وهفت اصلی سوم دیوارمشترک بطول (۸۰ / ۱۵) پانزده متر و هشتاد سانتیمتر به شماره دویست وسی وپنج فرعی از سه هزار وبیست وهفت اصلی چهارم دیوارمشترک بطول (۹۸ / ۱۰) ده متر و نود وهشت سانتیمتر به شماره دویست وسی وپنج فرعی از سه هزار وبیست وهفت اصلی حقوق ارتفاقی : مجرای آب آبکوه از طرف شمال شرقی به مورد ثبت وارد می شود

حدودافرازی : ششدانگ قسمتی از یک قطعه زمین بمساحت ۸۲,۲۸۶متر مربع پلاک ۱۹۵۲۴ فرعی از ۲۳۶فرعی از ۳۰۲۷ اصلی بخش یک حومه کاشمر که درسهم خانم فاطمه حسین پور قرار خواهد گرفت.

شمالاً درب و دیوار بطول (۵۴ / ۸) هشت متر و پنجاه و چهارسانتیمتر به میلان شرقا : در سه قسمت اول دیوارمشترک بطول (۵۳ / ۲۱) بیست و یک متر و پنجاه وسه سانتیمتر به شماره هشتصد وهشتاد ودو فرعی دوم دیوارمشترک بطول (۱۳,۳۰) سیزده متر و سی سانتیمتر به شماره هشتصد وهشتاد ودو فرعی سوم دیوارمشترک بطول (۸۹ / ۱) یک متر و هشتادونه سانتیمتر به شماره هشتصد وهشتاد ودو فرعی جنوبا : به طول ۸,۳۹متر درب ودیواربست به میلان غربا: بطول ۳۷,۱۱ مرزبست به باقی مانده پلاک ۲۳۶ فرعی از ۳۰۲۷ اصلی حقوق ارتفاقی ندارد.

حدود قطعه باقیمانده پلاک ۲۳۶ : ششدانگ یکقطعه زمین بمساحت ۱۴,۳۱۷۲ مربع باقی مانده پلاک ۲۳۶فرعی از ۳۰۲۷ اصلی کاشمر که در سهم سایر مالکین مشاعی قرار میگیرد.

شمالا: در پنج قسمت اول درب و دیوار بطول (۹۹ / ۲۸) بیست وهشت متر و نودونه سانتیمتر به میلان دوم درب و دیوار بطول (۷/۰۸) هفت متر و هشت سانتیمتر به میلان سوم درب و دیوار بطول (۶۵ / ۲۲) بیست ودو متر و شصت و پنج سانتیمتر به میلان چهارم درب و دیوار بطول (۹۸ / ۱۳) سیزده متر و نودوهشت سانتیمتر به میلان پنجم درب و دیوار بطول (۵۱ / ۳) سه متر و پنجاه و یک سانتیمتر به میلان شرقا : در دو قسمت اول مرزبست مشترک بطول (۱۱ / ۳۷) سی وهفت متر ویازده سانتیمتر به شماره ۱۹۵۲۴ فرعی قطعه مفروزی دوم مرزبست مشترک بطول (۱۰ / ۰) ده سانتیمتر به شماره ۱۹۵۲۴ فرعی قطعه مفروزی جنوبا:طول سه و قسمت اول درب و دیوار بطول (۰۸ / ۴۲) چهل ودو متر و هشت سانتیمتر به میلان دوم درب و دیوار بطول (۹۹ / ۶) شش متر و نودونه سانتیمتر به میلان سوم درب و دیوار بطول (۳۱ / ۲۱) بیست ویک متر و سی و یک سانتیمتر به میلان غربا : در چهار قسمت اول دیوار مشترک بطول (۴۸ / ۴) چهار متر و چهل وهشت سانتیمتر به شماره دویست وسی وپنج فرعی از سه هزار وبیست وهفت اصلی دوم دیوار مشترک بطول (۳۱ / ۱۱) یازده متر و سی ویک سانتیمتر به شماره دویست و سی و پنج فرعی از سه هزار وبیست وهفت اصلی سوم دیوار مشترک بطول (۶۴ / ۱۵) پانزده متر و شصت و چهار سانتیمتر به شماره دویست وسی و پنج فرعی از سه هزار و بیست و هفت اصلی چهارم دیوار مشترک بطول (۳۸/ ۱۱) یازده متر و سی و هشت سانتیمتر به شماره دویست و سی و پنج فرعی از سه هزار و بیست و هفت اصلی حقوق ارتفاقی: مجرای آب آبکوه از طرف شمال شرقی به مورد ثبت وارد می شود.

متقاضی. نقشه بردارثبت احمد صدوقی.

نماینده ثبت مجید ابراهیمی

نظریه رئیس: با توجه به صورت مجلس فوق و گزارش شماره ۶۷۷۱ به مورخ ۱۴۰۱/۰۵/۰۴ با افراز انجام شده موافق در اجرای ماده و آیین نامه افراز نسبت به ابلاغ صورت مجلس و نقشه افرازی کلیه مالکین مشاعی اقدام گردد.

رئیس ثبت اسناد و املاک کاشمر _ احمد جهانگیر

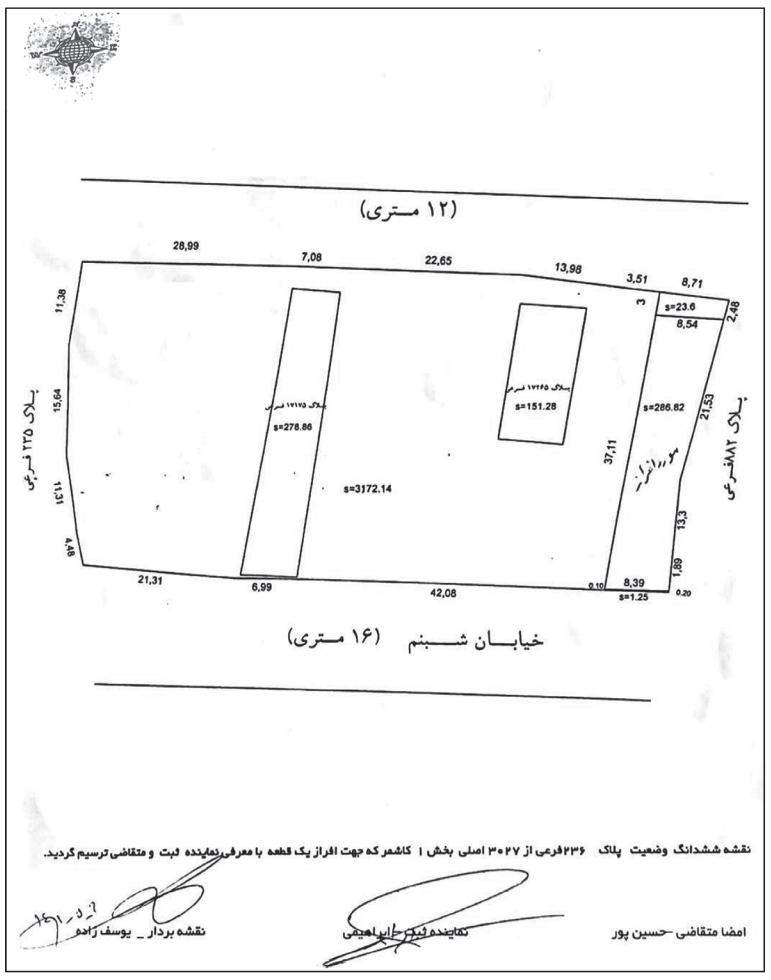

شماره های تماس جهت درج آگهی در روزنامه جمهوری اسلامی:

۷۷۶۴۴۴۱۰_۷۷۶۴۴۴۱۱

نمابر: ۷۷۶۴۴۴۱۲

آگهی دعوت سهامداران

بدین وسیله از کلیه سهامداران شرکت فرایند پودر الوان سهامی خاص ثبت شده به شماره ۵۲۰۷۴ شناسه ملی۱۰۱۰۰۹۷۲۲۵۴ دعوت میشود تا در جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده که در ساعت۱۰صبح مورخ۱۴۰۱/۰۶/۱۴ در آدرس شرکت به نشانی استان تهران - شهرستان تهران - بخش مرکزی - شهر تهران-ونک-خیابان شهید حجت اله عباس شیرازی-بن بست بهاران-پلاک ۲۰-طبقه سوم-کدپستی ۱۴۳۵۸۱۴۴۶۵ -تلفن:۸۸۰۳۲۸۶۰ میگردد حضور بهم رسانید.

دستور جلسه: انتخاب اعضای هیات مدیره

هیات مدیره شرکت فرایند پود رالوان

آگهی ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

بموجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آیین نامه اجرایی آن مصوب ۹۰/۰۹/۲۰ مجلس شورای اسلامی متقاضیانی که به استناد قانون فوق تقاضای صدور سند مالکیت نموده اند و هیئت حل اختلاف رای به صحت وقوع بیع و تصرفات آنان صادر نموده است در دو نوبت جهت اطلاع عموم به شرح ذیل آگهی میگردد:

۱ -پلاک ۱۸۹۵۲ فرعی از ۲۰۰ اصلی بنام آقای محمد رضا احمدی فرزند قاسم ششدانگ یک قطعه زمین زراعی به مساحت ۱۱۴۶۳/۱۱ متر مربع خریداری از وراث مرحوم قاسم احمدی و منتسب به نسق زراعی ۱۹۴۳۳ بنام قاسم احمدی واقع در ایوان –روستای کلان.

۲- پلاک ۱۸۹۵۳ فرعی از ۲۰۰ اصلی بنام آقای محمد رضا احمدی فرزند قاسم ششدانگ یک قطعه زمین زراعی به مساحت ۲۱۵۵۹/۲۵ متر مربع خریداری از علیرضا احمدی و منتسب به نسق زراعی ۱۹۴۳۳ بنام قاسم احمدی واقع در ایوان –روستای کلان

۳ - پلاک۱۹۷۵۲ فرعی از ۲۰۰ اصلی بنام آقای مراد احمدی فرزند محمد خان ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۶۶۰/۳۷ متر مربع خریداری از محمد احمدی و منتسب به نسق زراعی ۱۹۴۱۶ بنام محمد احمدی واقع در ایوان – روستای کلان.

۴ -پلاک ۱۹۷۶۹ فرعی از۲۰۰ اصلی بنام خانم هاجر صادقی کلاتی فرزند خیدان یکباب ساختمان به مساحت ۳۱۰/۶۵ متر مربع خریداری از منصور احمدی و منتسب به نسق زراعی ۲۰۰۱مورخ ۴۱/۱۲/۱۸ بنام خسرو احمدی واقع در ایوان – روستای کلان.

۵ - پلاک ۱۹۷۷۰ فرعی از ۲۰۰ اصلی آقای مصطفی احمدی فرزند میرزا ششدانگ یک باب ساختمان به مساحت ۷۱۲/۸۶ متر مربع خریداری از صید رستم احمدی و منتسب به نسق زراعی ۱۹۴۳۱مورخ ۴۱/۰۲/۲۲ بنام میرزا احمدی واقع در ایوان –روستای کلان –

۶ - پلاک ۱۹۷۷۱فرعی از ۲۰۰ اصلی بنام آقای صید رستم احمدی فرزند میرزا ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۳۵۰/۲۱ متر مربع خریداری از مصطفی احمدی و منتسب به نسق زراعی ۱۹۴۳۱مورخ ۴۱/۱۲/۲۹ بنام میرزا احمدی واقع در ایوان –روستای کلان.

۷ -پلاک ۱۹۷۷۲ فرعی از ۲۰۰ اصلی بنام آقای نور الدین احمدی فرزند محمد ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۱۹۳/۰۴ متر مربع خریداری از عباس احمدی و منتسب به نسق زراعی ۱۹۲۶۰مورخ ۴۱/۱۲/۲۹ بنام کمر احمدی واقع در ایوان –روستای کلان.

۸ -پلاک ۱۹۷۷۴ فرعی از ۲۰۰ اصلی بنام آقای قاسم احمدی کلان فرزند محمد در ششدانگ یک باب ساختمان به مساحت ۴۵۴/۹۷ متر مربع ومنتسب به بافت قدیم روستا وآبا واجداد متقاضی واقع در ایوان –روستای کلان.

۹ - پلاک۱۹۷۷۵ فرعی از ۲۰۰ اصلی بنام آقای روح اله ویسی فرزند رضا از ششدانگ یک باب ساختمان به مساحت ۴۵۳/۲۵ متر مربع ومنتسب به بافت قدیم روستا وآبا واجداد متقاضی واقع در ایوان –روستای کلان.

۱۰ -پلاک ۱۹۷۷۶ فرعی از ۲۰۰ اصلی بنام آقای الماس اقبالی فرزند ابراهیم در ششدانگ یک باب ساختمان به مساحت ۳۲۱/۹۵ متر مربع خریداری از علی محمد احمدی و منتسب به بافت قدیمی روستای کلان واقع در ایوان–روستای کلان.

۱۱ - پلاک ۱۹۷۷۷ فرعی از ۲۰۰ اصلی بنام آقای علی خورشیدی فرزند منصور در ششدانگ یک قطعه زمین محصورشده که قسمتی از یکباب ساختمان به مساحت ۱۰۱/۴۲ متر مربع خریداری از موسی دلشاد و منتسب به نسق زراعی ۱۸۱۵۶بنام علیمیرزا صیادی واقع در ایوان –دهستان سراب.

۱۲ -پلاک ۱۹۷۷۸ فرعی از ۲۰۰ اصلی بنام خانم عروس یاسمی فرزند عظیم در ششدانگ یک باب ساختمان به مساحت ۲۵۸/۳۵ متر مربع خریداری از شوکت ویسی پور و منتسب به بافت قدیم روستای کلان واقع در ایوان –روستای کلان.

۱۳ -پلاک۱۹۷۷۹ فرعی از ۲۰۰ اصلی بنام آقای علی خورشیدی فرزند منصور ششدانگ یک باب ساختمان به مساحت ۱۲۷/۴۷ متر مربع خریداری شده از موسی دلشاد و منتسب به نسق زراعی شماره۱۸۱۵۶ بنام علیمرزا صیادی واقع در ایوان – روستای سراب

۱۴ -پلاک ۱۹۷۸۲ فرعی از ۲۰۰ اصلی بنام آقای شیر خان امیری فرزند رسول ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۳۹۰۳/۸۵متر مربع خریداری شده از رسول امیری و منتسب به نسق زراعی شماره۱۹۰۳۷ بنام رسول امیری واقع در ایوان – روستای نهر خان علیا.

۱۵ -پلاک ۱۹۷۸۳ فرعی از ۲۰۰ اصلی بنام آقای شیر خان امیری فرزند رسول ششدانگ یک قطعه زمین زراعی به مساحت ۳۴۲۶/۹۵متر مربع خریداری شده از رسول امیری و منتسب به نسق زراعی شماره۱۹۰۳۷ بنام رسول امیری واقع در ایوان – روستای نهر خان علیا.

۱۶ -پلاک ۱۹۷۸۴ فرعی از ۲۰۰ اصلی بنام آقای شیر خان امیری فرزند رسول ششدانگ یک قطعه زمین زراعی به مساحت ۱۸۱۳۷/۲۴متر مربع خریداری شده از رسول امیری و منتسب به نسق زراعی شماره۱۹۰۳۷ بنام رسول امیری واقع در ایوان – روستاینهر خان علیا.

۱۷ - پلاک۱۹۷۸۵ فرعی از ۲۰۰ اصلی بنام آقای عیسی رستمی فرزندنور محمد ششدانگ یک باب ساختمان به مساحت به مساحت ۷/۶۰ متر مربع خریداری از علی اکبر دارابی و منتسب به نسق زراعی شماره ۱۸۸۱۲ بنام ناو خاص رشیدی واقع در ایوان –.خیابان شهید تند گویان –کوچه شهید فلاحی.

۱۸ - پلاک ۱۹۷۸۶ فرعی از ۲۰۰ اصلی بنام آقای منصور ویسی فرزند علی جان در ششدانگ یک باب ساختمان به مساحت ۳۷۱/۴۸ متر مربع خریداری از آقاجان ویسی و منتسب به نسق زراعی ۱۹۲۵۱ بنام آقاجان ویسی واقع در ایوان –روستای کلان.

۱۹ -پلاک ۱۹۷۸۸ فرعی از ۲۰۰ اصلی بنام آقای عباس ویسی فرزند نامدار در ششدانگ یک باب ساختمان به مساحت ۱۷۹/۹۳ متر مربع خریداری از امین طاهری و منتسب به نسق زراعی ۱۹۴۲۸ بنام حسین طاهری واقع در ایوان –روستای کلان.

۲۰ - پلاک ۱۹۷۸۹ فرعی از ۲۰۰ اصلی بنام خانم آذر فیلی فرزند مرتضی درششدانگ یک باب ساختمان به مساحت ۲۱۲/۳۵ متر مربع خریداری از جهان اکبری ومنتسب به نسق زراعی ۷۵۱۷۵ بنام خداداد اکبری واقع در ایوان – روستای کلان.

۲۱ -پلاک ۱۹۷۹۰ فرعی از ۲۰۰ اصلی بنام خانم زهرا شیرخانی فرزندحسین در ششدانگ یک باب ساختمان به مساحت ۱۱۳/۳۷ متر مربع خریداری شده از علی رستمیان ومنسب به نسق زراعی به شماره ۱۷۲۶۵ مورخ۴۵/۱۲/۲۹ بنام درویش نوروزی واقع در ایوان –فرهنگیان –فاز۲ پشت پارک کتاب .

۲۲ - پلاک۱۹۷۹۱ فرعی از ۲۰۰ اصلی بنام آقای محمد رضا ویسی فرزند عباس از ششدانگ یک باب ساختمان به مساحت۱۹۸/۸۶ متر مربع ومنتسب به بافت قدیم روستا کلان واقع در –ایوان – روستای کلان.

لذا چنانچه اشخاص ذینفع به آراء اعلام شده اعتراض دارند می توانند ظرف مدت دو ماه از تاریخ انتشار نوبت اول آگهی اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد واملاک شهرستان